

آقا مهدی باکری؛ سند غیرت خطه آذربایجان



بهار در راه است و جلوه‌های زیبای طبیعت گام به گام آمدن فصل شکفتن را نوید می‌دهند؛ فصلی سرشار از عطر دل‌انگیز زندگی، موسم استقبال از این فصل امسال به عطر لایزال فاطمی آغشته شده و فاطمیه دل‌ها را غوغای دیگری است.

بهار در راه است و جلوه‌های زیبای طبیعت گام به گام آمدن فصل شکفتن را نوید می‌دهند؛ فصلی سرشار از عطر دل‌انگیز زندگی، موسم استقبال از این فصل امسال به عطر لایزال فاطمی آغشته شده و فاطمیه دل‌ها را غوغای دیگری است.

این روزها اما در خطه آذربایجان سال‌هاست که به عطر شورآفرین دیگری معطر است. اکنون سه دهه است که وقتی روزهای پایانی سال فرامی‌رسد عطر شهادت در دل و جانمان شور زندگی برمی‌انگیزد، بهار در بهار می‌آمیزد، سبزه در لاله گره می‌خورد و شهادت، حقیقت زندگی را معنی می‌کند.

مثل همین روزها بود که در بحبوحه نبرد بدر، مردی از دیار آذربایجان آموزه رزمندگی و فرماندهی را به اوج رساند، در میان آتش و خون سوار بر بال فرشتگان شد، دجله را درنوردید و در ساحل حماسه و ایثار، غزل جاودانگی سرود.

یادگاران هشت سال دفاع مقدس و رزمندگان لشکر همیشه سرافراز عاشورا به خوبی گواهند که آقای مهدی باکری عزیز برای نیروها و هم‌زمانش فقط یک فرمانده نبود، بلکه انسانی وارسته و از تعلقات دنیا رهیده بود که لحظه به لحظه زندگی‌اش برای اطرافیانش درس اخلاق و اخلاص و خدایی زیستن بود. از همین روی رزمندگان لشکر او را نه فرمانده بلکه مراد خویش می‌دانستند و نام "آقا مهدی" در میان آنان شور و مجاهدت و معنویت برمی‌انگیخت.

اسناد و خاطرات آن روزها به خوبی گویاست که چگونه فرماندهان عملیات و هم‌زمان آقا مهدی در این سوی دجله پشت بی‌سیم از او می‌خواستند و اصرار می‌کردند که برگردد و او با کلام استوار خود تو گویی افق‌های زیبای آن سوی هستی را برای هم‌زمانش ترسیم می‌کرد.

مهدی باکری با گام‌های پرصلابت، نگاه نافذ و کلام دلنشین خود سرانجام دعای خود را به کرسی اجابت حق تعالی نشاند و خداوند، پاکیزه پذیرایش شد. او رفت ولی از دست نرفت، بلکه به‌سان سرمایه‌ای ارزشمند و جاودانه مایه عزت و سربلندی روزافزون ایران اسلامی و سند غیرت خطه آذربایجان شد.

نام و یاد آقا مهدی همواره شور زندگی باعزت، ایمان به خدا، انگیزه خدمت به مردم و در این راه روز و شب نداشتن و سر از پا نشناختن را در وجود یاران و هم‌زمانش زنده می‌کند.

آقا مهدی عزیزتر از جان رفته ولی از دست نرفته بلکه به جاودانگی پیوسته و در جوار معنوی صاحب این روزها حضرت زهرا سلام الله علیها آرمیده است و جان و جهان‌مان را متبرک می‌سازد.

او پرفروغ‌تر از دوران حیات دنیوی‌اش همواره در وجودمان می‌شکند و یاد و نامش همچون طلیعه بهار روز و روزگارمان را نوروز می‌کند.

یادداشت از: اسماعیل جبارزاده